خبر

کاخ سفید به دنبال اختیار قانونی برای مهار کنگره

ترامپ پشت سنگر وتو

پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا، رویارویی تازه‌ای میان کاخ سفید و قانون‌گذاران این کشور رقم زده است. دونالد ترامپ که با تغییر موازنه قدرت در کنگره، محدودیت‌های بیشتری را پیش روی برنامه‌های سیاسی و اقتصادی خود می‌بیند، اکنون از اختیار وتوی ریاست‌جمهوری به‌عنوان ابزاری برای مقابله با مخالفان استفاده می‌کند. انتشار تصویری از رئیس‌جمهور آمریکا با لباس و کلاه قرمز منقش به واژه «وتو»، تازه‌ترین نشانه از تشدید رقابت سیاسی میان دو حزب اصلی این کشور است.

ترامپ با انتشار این تصویر در شبکه اجتماعی تروث سوشال، به دموکرات‌های کنگره هشدار داد که در صورت تلاش برای جلوگیری از اجرای برنامه‌های دولت، از اختیار قانونی خود برای رد مصوبات استفاده خواهد کرد. این اقدام در ادامه مواضع پیشین او پس از شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات نوامبر صورت گرفته است. در ساختار سیاسی آمریکا، رئیس‌جمهور می‌تواند مصوبات کنگره را وتو کند، اما قانون‌گذاران نیز اختیار دارند با کسب رأی دوسوم اعضای هر دو مجلس نمایندگان و سنا، بر مخالفت رئیس‌جمهور غلبه کنند. اهمیت شرایط کنونی در آن است که دموکرات‌ها، باوجود پیروزی انتخاباتی، از اکثریت لازم برای عبور از وتوی ترامپ برخوردار نیستند. بنابراین، رئیس‌جمهور آمریکا همچنان می‌تواند در برابر بسیاری از طرح‌های مخالف سیاست‌های دولت مقاومت کند. البته این اختیار نامحدود نیست. وتو به مصوباتی مربوط می‌شود که پس از تصویب کنگره برای امضای رئیس‌جمهور ارسال می‌شوند و نمی‌توان آن را ابزاری برای لغو مستقیم تمامی اقدامات قانون‌گذاران دانست. تغییر ترکیب کنگره می‌تواند بر آینده سیاست داخلی آمریکا تأثیر قابل توجهی بگذارد. دموکرات‌ها با افزایش قدرت پارلمانی خود، امکان بیشتری برای نظارت بر عملکرد دولت، برگزاری جلسات تحقیقاتی و تأثیرگذاری بر روند قانون‌گذاری خواهند داشت. در مقابل، ترامپ تلاش می‌کند با برجسته کردن اختیار وتو، نشان دهد که شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان به معنای پایان نفوذ سیاسی کاخ سفید نیست. چنین شرایطی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش اختلاف بر سر بودجه، سیاست‌های مهاجرتی، برنامه‌های اقتصادی و اولویت‌های دولت شود. هرچند شدت این اختلافات به میزان همکاری دو حزب و تصمیم‌های آینده کنگره بستگی خواهد داشت. انتشار تصویر ترامپ با لباس قرمز و واژه‌های تکرارشونده «وتو»، صرفاً یک اقدام تبلیغاتی معمولی نیست. رئیس‌جمهور آمریکا بار دیگر از شبکه‌های اجتماعی برای ارسال پیامی مستقیم به مخالفان و هواداران خود استفاده کرده است. در این تصویر، رنگ قرمز یادآور هویت جمهوری‌خواهان است و تکرار واژه وتو، بر قدرت باقی‌مانده رئیس‌جمهور تأکید می‌کند. این شیوه ارتباطی با سبک سیاسی ترامپ همخوانی دارد؛ سبکی که در آن پیام‌های کوتاه، تصاویر نمادین و مواضع صریح، جایگاه مهمی در شکل‌دهی به فضای رسانه‌ای دارند. بااین‌حال، تبدیل اختلافات سیاسی به تقابل‌های رسانه‌ای ممکن است دستیابی به مصالحه‌های ضروری میان دولت و کنگره را دشوارتر کند. ترامپ در اقدام دیگری، تصویری از نشست سه‌جانبه اخیر خود با رؤسای جمهور چین و روسیه در شهر شنژن منتشر کرد و آن را با کنفرانس تهران در سال ۱۹۴۳ مقایسه کرد؛ نشستی تاریخی که با حضور رهبران آمریکا، انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی برگزار شد. این مقایسه را می‌توان تلاشی برای برجسته کردن جایگاه رئیس‌جمهور آمریکا در معادلات قدرت جهانی دانست. بااین‌حال، شرایط تاریخی و اهداف دو نشست تفاوت‌های اساسی دارند و شباهت ظاهری آنها لزوماً به معنای یکسان بودن پیامدهای سیاسی نیست. تقابل احتمالی ترامپ و کنگره دموکرات، آزمونی برای سازوکار تفکیک قوا در آمریکا خواهد بود. رئیس‌جمهور می‌تواند از اختیار وتو برای حفظ اولویت‌های خود استفاده کند، اما کنگره نیز ابزارهای نظارتی و قانون‌گذاری قابل توجهی در اختیار دارد. در نهایت، نتیجه این رویارویی تنها به تعداد مصوبات وتوشده وابسته نخواهد بود، بلکه توانایی دو طرف در مدیریت اختلافات و جلوگیری از بن‌بست سیاسی نیز اهمیت دارد. ترامپ اکنون می‌کوشد نشان دهد که با وجود تغییر موازنه قدرت در کنگره، همچنان بازیگر تعیین‌کننده سیاست آمریکا باقی خواهد ماند.

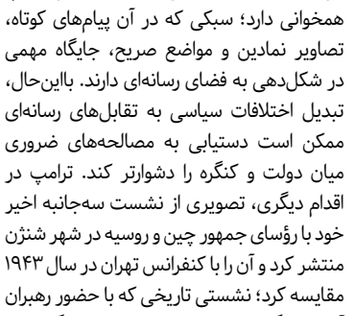

«ابتکار» از تلاش‌های کاخ سفید برای تماس با کره‌شمالی گزارش می‌دهد

وقتی کیم جواب ترامپ را نداد

گروه بین‌الملل - دولت ترامپ تا آخرین لحظات برای برگزاری نشست سران آمریکا و کره شمالی در جریان سفر اخیر دونالد رئیس‌جمهور آمریکا به آسیا تلاش کرد، اما طرح شروطی از سوی پیونگ‌یانگ مانع تحقق این دیدار شد. روزنامه وال‌استریت ژورنال در گزارشی در نوامبر ۲۰۲۶ اعلام کرد که کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، تلاش‌های دیپلماتیک دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، برای ازسرگیری مذاکرات و برگزاری دیدار میان دو طرف را نادیده گرفته و همزمان به توسعه سریع زرادخانه هسته‌ای کشورش ادامه داده است.



وال‌استریت ژورنال همچنین گزارش داد که ترامپ از طریق شبکه‌های تلفنی و کانال‌های ارتباطی موجود تلاش کرد با کیم جونگ اون تماس بگیرد، اما مقام‌های کره شمالی به این تماس‌ها پاسخ ندادند

بر اساس این گزارش، دولت ترامپ تا آخرین لحظات سفر اخیر رئیس جمهور آمریکا به آسیا برای برگزاری نشست سران کره شمالی و آمریکا تلاش کرد، اما این تلاش‌ها پس از مطرح شدن شروطی از سوی پیونگ‌یانگ که پذیرش آنها برای واشنگتن دشوار بود، به نتیجه نرسید.

مقام های آگاه از مذاکرات اعلام کردند که دو طرف امکان برگزاری دیداری حضوری میان رهبران خود را بررسی کردند، اما کره شمالی شروطی را مطرح کرد که از نظر آمریکا قابل قبول نبود. با این حال، ماهیت دقیق این شروط تاکنون تایید نشده است. در همین راستا، مقام های آمریکایی صدور بیانیه ای برای اعلام رسمی پایان جنگ کره را به عنوان گامی مقدماتی برای برگزاری نشست سران دو کشور بررسی کردند. همچنین گزینه صدور بیانیه‌ای مطرح شد که بر اساس آن، آمریکا کره شمالی را به عنوان یک کشور دارای سلاح هسته ای به رسمیت نمی‌شناخت، اما در عین حال خواستار برچیده شدن برنامه هسته‌ای این کشور نیز نمی شد.

بر اساس این طرح، واشنگتن در مقابل موافقت پیونگ‌یانگ با چنین رویکردی، خواستار محدود شدن آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی می شد. گشایش یک دفتر رابط به عنوان مقدمه‌ای برای برقراری روابط دیپلماتیک رسمی میان دو کشور نیز از دیگر موضوعات مطرح شده در این مذاکرات بود.

تلفن‌ها و نامه‌هایی که بی‌جواب ماندند

یکی از دلایل اصلی بی میلی کیم جونگ اون به ازسرگیری مذاکرات با آمریکا، بی اعتمادی ناشی از فروپاشی نشست هانوی در سال ۲۰۱۹ عنوان شده است.

کارشناسانی که شبکه خبری چنل نیوز آسیا با آنها گفت وگو کرده، معتقدند شکست ناگهانی نشست هانوی، که کیم در آن بدون دستیابی به توافق محل مذاکرات را ترک کرد، تاثیر عمیقی بر نگاه پیونگ‌یانگ به واشنگتن گذاشت. کیم حتی گروهی از تصویربرداران را برای ثبت توافق احتمالی به این نشست آورده بود، اما مذاکرات بدون نتیجه پایان یافت. به گفته این کارشناسان، این اتفاق این باور را در پیونگ‌یانگ تقویت کرد که آمریکا، صرف نظر از اینکه چه کسی در کاخ سفید حضور داشته باشد، اساسا قابل اعتماد نیست.

وال‌استریت ژورنال همچنین گزارش داد که ترامپ از طریق شبکه های تلفنی و کانال های ارتباطی موجود تلاش کرد با کیم جونگ اون تماس بگیرد، اما مقام های کره شمالی به این تماس ها پاسخ ندادند.

پس از آن، ترامپ نامه ای برای رهبر کره شمالی نوشت، اما این نامه نیز به شکل متعارف به دست او نرسید. بر اساس این گزارش، مقام های کاخ سفید یک پیک را در مقابل نمایندگی کره شمالی در سازمان ملل در منطقه منهتن نیویورک مستقر کردند تا نامه ترامپ را مستقیما به یک دیپلمات کره شمالی که از محل عبور می کرد، تحویل دهد. با این حال، به گفته مقام های مطلع، آن دیپلمات بعدا در یکی از سالن های کنفرانس سازمان ملل و در مقابل نماینده آمریکا، نامه بازنشده را دور انداخت.

در جریان سفر آسیایی ترامپ در نوامبر ۲۰۲۶ نیز، با وجود آنکه رئیس جمهور آمریکا احتمال دیدار با کیم را به طور علنی مطرح کرد و نشست سه جانبه ای با رهبران چین و روسیه برگزار کرد، رهبر کره شمالی واکنشی به این پیشنهاد نشان نداد. کیم در همان مقطع به جای شرکت در مذاکرات دیپلماتیک، از یک مجموعه تفریحی اسکی، دانشگاه نیروی دریایی و یک مزرعه گلخانه ای بازدید کرد.

با این حال، یکی از مقام های دولت ترامپ گزارش ها درباره وجود تلاش هایی برای ترتیب دادن دیدار با رهبر کره شمالی را رد کرد و کاخ سفید نیز اعلام کرد که موضع این کشور درباره خلع سلاح هسته ای کره شمالی تغییری نکرده است. در شرایطی که موضوع هسته ای کره شمالی در آمریکا تا حد زیادی به حاشیه رانده شده بود، پیونگ‌یانگ پس از سال ۲۰۱۹ توان هسته ای و موشکی خود را به میزان قابل توجهی افزایش داد.

بر اساس برآوردها، تعداد کلاهک های هسته ای کره شمالی از حدود ۲۰ تا ۳۰ کلاهک در سال ۲۰۱۹ به حدود ۶۰ کلاهک در حال حاضر رسیده است. ارزیابی های دفاعی کره جنوبی نیز احتمال می دهند که این تعداد به ۸۰ تا ۱۲۰ کلاهک رسیده باشد. کره شمالی همچنین موشک های بالستیک قاره پیمای سوخت جامد را توسعه داده و عملیاتی کرده است که توانایی رسیدن به خاک اصلی آمریکا را دارند.

وال‌استریت ژورنال در گزارش خود، تعمیق روابط راهبردی پیونگ‌یانگ با مسکو را یکی از عوامل تقویت موقعیت این کشور در برابر فشارهای آمریکا و تحریم های بین المللی دانست. بر اساس این گزارش، گسترش همکاری های کره شمالی با روسیه، به این کشور امکان داده است تا در برابر فشارهای دیپلماتیک و تحریم های آمریکا از پشتوانه بیشتری برخوردار شود و وابستگی کمتری به دریافت امتیازات اقتصادی از واشنگتن داشته باشد.

در کنار افزایش توان هسته‌ای، موضع پیونگ‌یانگ درباره مذاکرات با آمریکا نیز تغییر کرده است و کیم جونگ اون دیگر تمایلی به واگذاری تسلیحات راهبردی کشورش در ازای دریافت امتیازات اقتصادی و لغو تحریم ها نشان نمی دهد. در ارزیابی سالانه اطلاعاتی آمریکا درباره تهدیدات نیز اعلام شده است که رهبر کره شمالی قصد ندارد درباره واگذاری تسلیحات راهبردی خود مذاکره کند. این مسئله موجب شده است برخی کارشناسان نسبت به تثبیت و برگشت ناپذیر شدن جایگاه هسته ای کره شمالی هشدار دهند.

به گزارش ایسنا، کیم در سخنرانی خود در فوریه ۲۰۲۶ اعلام کرد که واشنگتن تنها در صورتی می تواند به همزیستی مسالمت آمیز با پیونگ‌یانگ دست یابد که کره شمالی را رسما به عنوان یک قدرت هسته ای به رسمیت بشناسد. او هشدار داد که در صورت نپذیرفتن این خواسته، دو کشور با «تقابل ابدی» روبه رو خواهند شد. بر همین اساس، گزارش شده است که برخی محافل در آمریکا نیز اصلاح بخشی از سیاست سنتی واشنگتن در قبال کره شمالی را که بر خلع سلاح هسته ای این کشور متمرکز است، بررسی کرده اند. با این حال، کارشناسان هشدار داده اند که چنین رویکردی می تواند نگرانی متحدان آمریکا، از جمله کره جنوبی و ژاپن، را برانگیزد.

کاخ سفید در واکنش به گزارش های مربوط به احتمال تغییر رویکرد واشنگتن تاکید کرده است که موضع دولت ترامپ درباره خلع سلاح هسته ای کره شمالی همچنان بدون تغییر باقی مانده است.

مخالفان نتانیاهو در جست‌وجوی ائتلاف

سه سناریو با اختلافات حل‌نشده

با ادامه اختلاف‌ها میان احزاب مخالف نتانیاهو بر سر ترکیب کابینه آینده، گادی آیزنکوت، رئیس حزب یاشار با سه گزینه مواجه است: ائتلاف با احزاب حریدی (ارتدوکس افراطی)، تشکیل دولت وحدت با مشارکت لیکود بدون رهبری نتانیاهو، یا تشکیل دولت اقلیت با حمایت احزاب عربی؛ مسیرهایی که هر یک با موانع و اختلافات سیاسی جدی مواجه‌هستند.

مذاکرات برای تشکیل کابینه جدید رژیم صهیونیستی پس از انتخابات پارلمانی ۲۷ اکتبر (۵ آبان)، در حالی ادامه دارد که اختلاف میان احزاب مخالف بنیامین نتانیاهو درباره ترکیب کابینه آینده و چگونگی کسب اکثریت پارلمانی مانع دستیابی به توافق شده است. در تازه‌ترین تحولات سه مسیر «ائتلاف با احزاب ارتدوکس افراطی»، «تشکیل کابینه وحدت با مشارکت حزب لیکود» و تشکیل «دولت اقلیت با حمایت احزاب عربی» همچنان مطرح است؛ اما هر سه مسیر با موانع سیاسی جدی روبرو هستند.

یکی از تحولات مهم پس از انتخابات، عقب‌نشینی آویگدور لیبرمن، رئیس حزب «اسرائیل خانه ما»، از مخالفت مطلق با مشارکت احزاب ارتدوکس افراطی (حریدی‌ها) در کابینه است. او اعلام کرد که نتایج انتخابات ضرورت بازنگری در مواضع قبلی را ایجاد کرده و حاضر است حتی درباره قانون «سربازی حریدی‌ها» نیز مصالحه کند. وی همچنین تأکید کرد که کابینه آینده باید بدون حمایت احزاب عربی تشکیل شود. شبکه ۱۳ تلویزیون رژیم صهیونیستی گزارش داد، لیبرمن خواستار مذاکره با دو حزب حریدی «شاس» و «یهودیت متحد توراتی» شده و معتقد است همراه کردن این دو حزب می‌تواند ائتلافی ۶۱ کرسی ایجاد کند. با این حال، این مسیر نیز آسان نیست؛ زیرا یهودیت متحد توراتی هنوز برای ورود به مذاکرات رسمی تمایل قطعی نشان نداده و شاس نیز تاکنون به‌طور علنی از پیوستن به کابینه آیزنکوت حمایت نکرده است. بر اساس گزارش شبکه ۱۲ اسرائیل، شاس اعلام کرده است در صورتی که یهودیت متحد توراتی از چنین کابینه‌ای حمایت کند، مانع آن نخواهد شد؛ اما این موضع به معنای تعهد شاس به مشارکت در کابینه نیست. از سوی دیگر، دستیابی به توافق درباره قانون سربازی حریدی‌ها مستلزم جلب موافقت رهبران ارتدوکس و حل اختلافات حقوقی و نظامی است. مسیر دوم، تشکیل کابینه وحدت با مشارکت حزب لیکود، اما بدون رهبری بنیامین نتانیاهو است؛ طرحی که نفتالی بنت، از رهبران فهرست مشترک «بیَخد» (باهم)، از حامیان آن به شمار می‌رود. در همین چارچوب، گادی آیزنکوت هفته گذشته، روز یکشنبه با شماری از مقام‌های حزب لیکود، بدون حضور نتانیاهو دیدار و گفت‌وگو کرد. وی همچنین روز شنبه دستور آغاز دور تازه‌ای از مذاکرات با نمایندگان لیکود را صادر کرد که قرار بود دیروز (یکشنبه) برگزار شود.

با وجود گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال توافق سیاسی بنت با نتانیاهو، بنت روز شنبه تأکید کرد که همچنان از تشکیل دولت وحدت به ریاست آیزنکوت حمایت می‌کند و قصد ندارد به کابینه تحت رهبری نتانیاهو بپیوندد. این موضع‌گیری پس از دیدار دو ساعته بنت با نتانیاهو در روز چهارشنبه مطرح شد؛ دیداری که بدون اطلاع قبلی آیزنکوت برگزار شد و گمانه‌زنی‌هایی درباره احتمال توافق میان آن دو برانگیخت.

در سوی مقابل، نتانیاهو خواستار تشکیل دولت وحدت شده و مدعی است شرایط امنیتی و تصمیم‌های راهبردی پیش‌روی رژیم صهیونیستی، چنین ائتلافی را ضروری کرده است. وی روز جمعه اعلام کرد که بنت، لیبرمن و آیزنکوت را در جریان وضعیت امنیتی قرار داده و نسبت به تشکیل دولت اقلیت با حمایت احزاب عربی هشدار داده است.

با این حال، مذاکرات با لیکود با اختلاف بر سر شرایط تشکیل کابینه مواجه است. به گزارش روزنامه «یدیعوت آحارنوت» منابع نزدیک به بلوک آیزنکوت مدعی شده‌اند که نمایندگان لیکود خواستار نخست‌وزیری نتانیاهو برای تمام دوره چهار ساله، بدون سازوکار چرخشی، ادامه اجرای چارچوب پیشنهادی قانون معافیت حریدی‌ها از سربازی، عدم تشکیل کمیسیون تحقیق دولتی درباره حملات هفتم اکتبر (طوفان الاقصی) و حضور ایتامار بن‌گویر، رئیس حزب «عوتسما یهودیت» در کابینه شده‌اند. همچنین، موضوع حفظ قوانین اصلاحات قضایی کابینه قبلی نیز مطرح شده است. لیکود بخشی از جزئیات منتشرشده را رد کرده، اما تأکید کرده است که این حزب باید ریاست دولت وحدت را بر عهده داشته باشد. این شروط عملاً اختلاف اصلی دو طرف، به ویژه در مرود ریاست کابینه را برجسته کرده است.

به گزارش ایرنا، مسیر سوم، تشکیل کابینه اقلیت با حمایت احزاب عربی است؛ گزینه‌ای که آیزنکوت در صورت شکست مذاکرات با لیکود و احزاب حریدی مطرح کرده است. او روز جمعه اعلام کرد قصد ندارد مذاکرات را بی‌نتیجه طولانی کند و اگر تلاش‌ها برای تشکیل ائتلاف به نتیجه نرسد، دولت «اضطراری ملی» به ریاست خود را برای رأی‌گیری به کنست معرفی خواهد کرد. به گفته او، این کابینه را می‌توان پیش یا پس از تشکیل، با پیوستن احزاب و نمایندگان دیگر گسترش داد.

این طرح می‌تواند بر حمایت بیرونی احزاب عربی، به‌ویژه حزب «رَعَم» به رهبری منصور عباس و عدم مخالفت یا رأی ممتنع فهرست مشترک عربی متکی باشد. با این حال، لیبرمن با چنین گزینه‌ای مخالفت کرده و گفته است دولت اقلیت متکی به احزاب عربی بیش از چند ماه دوام نخواهد آورد. بنت نیز در شرایط فعلی از این مسیر حمایت نمی‌کند؛ در مقابل، یائیر گولان، رئیس حزب دموکرات‌ها، آشکارا از امکان همکاری با احزاب عربی دفاع کرده است. آیزنکوت با طرح این گزینه تلاش دارد دیگر رهبران احزاب را برای دستیابی به توافق تحت فشار قرار دهد و مانع بازگشت مأموریت تشکیل کابینه بدون رأی‌گیری در کنست شود. این در حالی است که نتانیاهو نسبت به همکاری با احزاب عربی هشدار داده است.

اختلاف‌ها در بلوک مخالف نتانیاهو تنها به موضوع احزاب عربی محدود نیست و درباره نحوه تعامل با لیکود و احزاب حریدی نیز شکاف جدی وجود دارد. یائیر لاپید، از رهبران فهرس «بیخد» با باقی ماندن نتانیاهو در مقام نخست‌وزیری مخالفت کرده و تشکیل کابینه جایگزین را ضروری دانسته است. لیبرمن نیز اگرچه در موضوع همکاری با حریدی‌ها انعطاف نشان داده، همچنان بر مخالفت با اتکای کابینه به احزاب عربی تأکید دارد. گولان در میان رهبران این بلوک موضع بازتری درباره همکاری با احزاب عربی اتخاذ کرده است.

در همین حال، گیدعون سعر، وزیر خارجه کابینه نتانیاهو، تشکیل دولت وحدت را در شرایط کنونی فاقد چشم‌انداز دانسته و آیزنکوت، گولان و لاپید را به تلاش برای تشکیل دولت اقلیت با حمایت احزاب عربی متهم کرده است. بدین ترتیب، آیزنکوت تا ۶ دسامبر ۲۰۲۶ (۱۵ آذر) برای تشکیل کابینه فرصت دارد و می‌تواند از اسحاق هرتزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی درخواست تمدید ۱۴ روزه این مهلت را مطرح کند. با این حال، او اعلام کرده است که قصد ندارد مذاکرات را تا پایان مهلت قانونی بدون نتیجه ادامه دهد و در صورت شکست تلاش‌ها، کابینه اقلیت را برای رأی‌گیری به کنست معرفی خواهد کرد.

خبر

خروجی نشست رهبران آمریکا، چین و روسیه در شنزن

فریدون مجلسی، کارشناس مسائل آمریکا در تشریح ابعاد و خروجی نشست سه جانبه رهبران چین، آمریکا و روسیه در گفت‌وگو با ایلنا اظهار کرد: مذاکرات میان رهبران سه قدرت بزرگ جهان، دیداری بداهه و صرفاً تشریفاتی نیست که در جریان آن طرف‌ها تازه درباره موضوعات مورد بحث تصمیم بگیرند. چنین ملاقاتی حاصل برنامه‌ریزی‌های قبلی، سفرهای مقدماتی، تماس‌های دیپلماتیک و بررسی‌های کارشناسی است. پیش از برگزاری نشست، موضوعات مورد مذاکره مشخص و تفکیک شده و طرف‌ها می‌دانند درباره چه مسائلی باید به تصمیم برسند. بنابراین، دیدار در چنین سطحی عمدتاً برای اتخاذ تصمیم درباره موضوعاتی صورت می‌گیرد که گفت‌وگوها و بررسی‌های اولیه آن‌ها پیش‌تر انجام شده است.

وی ادامه داد: یکی از محورهایی که در اظهارات و مواضع سه طرف نیز به آن اشاره شده، ضرورت هشدار به جهان درباره خطرات تسلیحات هسته‌ای و سایر سلاح‌های قدرتمند است. هر سه کشور از توانمندی‌های نظامی و تسلیحاتی گسترده‌ای برخوردارند و در عین حال تمایلی ندارند این سلاح‌ها در اختیار هر بازیگری قرار گیرد. ازاین‌رو، کنترل و مدیریت تسلیحات و جلوگیری از گسترش آن‌ها می‌تواند یکی از موضوعات مورد توافق این قدرت‌ها باشد.

این تحلیلگر سیاسی تصریح کرد: در ارتباط با ایران نیز اگرچه تصمیم‌گیری‌ها و گفت‌وگوهای بیشتر به پایان سال موکول شده است، اما به نظر می‌رسد اشاره به موضوع هسته‌ای، ایران را نیز در بر می‌گیرد. در شرایط کنونی، مسئله هسته‌ای ایران و ارزیابی تهدیدآمیز یا غیرتهدیدآمیز بودن آن همچنان در فضای سیاسی بین‌المللی با ابهام همراه است. به همین دلیل، ایران یکی از موضوعات مهمی است که نمی‌توان در بررسی توافق‌های احتمالی قدرت‌های بزرگ آن را نادیده گرفت.

وی افزود: در کنار این مسائل، جایگاه اروپا نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. کشورهای اروپایی اگرچه به‌صورت انفرادی در این نشست سه‌جانبه حضور نداشتند، اما مجموعه اتحادیه اروپا یکی از بازیگران مهم نظام بین‌الملل است و لازم است در جریان نتایج و تحولات این مذاکرات قرار گیرد.

مجلسی گفت: یکی دیگر از محورهای اصلی مذاکرات، جنگ اوکراین و نقش کشورهای اروپایی در تداوم یا پایان آن است. به نظر می‌رسد از اروپا خواسته شده است از کمک‌های بیشتر به اوکراین خودداری کند تا زمینه برای توقف درگیری‌ها و دستیابی به صلح فراهم شود. حمله اخیر اوکراین به پل راهبردی کریمه که این منطقه را به سرزمین اصلی روسیه متصل می‌کند، در همین فضای حساس رخ داد و ارتباط مستقیم از این مسیر را موقتاً مختل کرد. چنین تحولاتی می‌تواند بر روند توافق‌های سیاسی و مذاکرات پیشین تأثیر منفی بگذارد؛ همان‌گونه که گاهی در آستانه توافق‌های مهم، وقوع رویدادهای ناگهانی مسیر تفاهم را دشوار می‌کند.

وی اضافه کرد: بر اساس برخی برداشت‌ها از رویکرد پیشنهادی ترامپ، یکی از راه‌حل‌های پایان جنگ می‌تواند پذیرش واگذاری کریمه و مناطق دونتسک و جمهوری‌های خودخوانده به روسیه از سوی اوکراین باشد؛ مناطقی که گرایش سیاسی و اجتماعی بخش مهمی از ساکنان آن‌ها به روسیه است. در مقابل، احتمال مطرح شدن عضویت اوکراین در ناتو نیز وجود دارد؛ موضوعی که روسیه تاکنون با آن موافقت نکرده است. در مجموع، به نظر می‌رسد دو محور اصلی مذاکرات قدرت‌های بزرگ، ایران و اوکراین بوده‌اند.

این دیپلمات پیشین کشورمان خاطرنشان کرد: مسئله ایران از جهات مختلف برای این کشورها اهمیت دارد. بازگشایی تنگه هرمز، برقراری جریان آزاد انرژی در بازارهای بین‌المللی و رفع نگرانی‌ها درباره تهدیدهای نظامی و تسلیحاتی، از جمله موضوعات مورد توجه آن‌هاست. البته نگرانی‌های مطرح‌شده درباره تسلیحات کشتار جمعی ممکن است نگرانی واقعی باشد یا بهانه‌ای سیاسی برای اعمال فشار بیشتر بر ایران؛ همان رویکردی که پیش‌تر در پرونده عراق نیز شاهد آن بودیم. امید است چنین سناریویی درباره ایران تکرار نشود.

وی گفت: بعید است رهبران سه قدرت بزرگ بدون دستیابی به توافق‌هایی در سطح اصول و کلیات، چنین دیدار مهمی را ترتیب داده باشند. بااین‌حال، اجرای توافق‌های سه‌جانبه درباره کشورهای دیگر به رضایت و مشارکت همان کشورها نیز وابسته است. در موضوع ایران، هرگونه تفاهم پایدار باید بر پایه مجموعه‌ای از تعهدات متقابل شکل بگیرد، تضمین آزادی رفت‌وآمد بین‌المللی در تنگه هرمز، در مقابل رفع محاصره دریایی ایران؛ مذاکره درباره رفع تحریم‌ها؛ و کاهش و توقف مخاصمات و تهدیدهای نظامی در منطقه.

اختلال‌های زنجیره‌ای در زیرساخت‌های آمریکا بررسی شد

بحران خاموش در قلب فناوری

موج اختلال‌های دیجیتال در آمریکا، از خدمات مایکروسافت و شبکه‌های بانکی گرفته تا سامانه‌های هوانوردی و ارتباطات داخلی نهادهای امنیتی، بار دیگر آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی این کشور را آشکار کرده است. اگرچه مقام‌های آمریکایی تاکنون شواهدی از حمله سایبری هماهنگ گزارش نکرده‌اند، اما هم‌زمانی این حوادث پرسشی اساسی را مطرح می‌کند: آیا بزرگ‌ترین تهدید برای زیرساخت‌های دیجیتال آمریکا، نه یک دشمن خارجی، بلکه پیچیدگی و وابستگی متقابل سامانه‌هایی است که زندگی روزمره میلیون‌ها نفر به آنها وابسته شده است؟

به گزارش خبرگزاری مهر، اختلال‌های اخیر بخش‌هایی از خدمات مایکروسافت، فعالیت‌های بانکی، سامانه‌های هوانوردی و شبکه داخلی آژانس امنیت ملی آمریکا را تحت تأثیر قرار داده است. مقام‌های مسئول برای هر حادثه توضیح جداگانه‌ای ارائه کرده‌اند؛ از نقص نرم‌افزاری و مشکلات به‌روزرسانی گرفته تا تعمیرات معمول شبکه. بااین‌حال، وقوع این رویدادها در فاصله زمانی کوتاه، نگرانی‌ها درباره تاب‌آوری زیرساخت‌های دیجیتال را افزایش داده است.

اختلال‌های مستقل یا بحرانی مشترک؟

نخستین فرضیه درباره حوادث اخیر، هم‌زمانی تصادفی چند نقص فنی مستقل است. بر اساس توضیحات اعلام‌شده، مشکل مایکروسافت به اختلال نرم‌افزاری و ظرفیت شبکه مربوط بوده، سازمان هوانوردی فدرال آمریکا با مشکلات تجهیزات و به‌روزرسانی مواجه شده و بانک چیس نیز نقصی غیرسایبری را گزارش کرده است.

آژانس امنیت ملی آمریکا نیز اختلال شبکه داخلی خود را ناشی از عملیات تعمیر و نگهداری دانسته است. بنابراین، اطلاعات منتشرشده تاکنون وجود یک عامل مشترک یا عملیات خرابکارانه هماهنگ را اثبات نمی‌کند.

بااین‌حال، مستقل بودن علت مستقیم حوادث لزوماً به معنای نبود آسیب‌پذیری ساختاری نیست. ممکن است سازمان‌های مختلف، بدون ارتباط عملیاتی مستقیم، با مشکلات مشابهی در مدیریت فناوری و نگهداری زیرساخت‌ها روبه‌رو باشند.

وقتی فناوری به نقطه ضعف تبدیل می‌شود

یکی از مهم‌ترین فرضیه‌های مطرح‌شده، فرسودگی بخشی از زیرساخت‌ها و دشواری سازگار کردن سامانه‌های قدیمی با فناوری‌های جدید است. بسیاری از خدمات حیاتی بر شبکه‌هایی متکی هستند که طی سال‌ها توسعه یافته‌اند و اکنون باید پاسخگوی حجم فزاینده اطلاعات و نیازهای پیچیده باشند.

در چنین شرایطی، یک به‌روزرسانی ناموفق یا تغییر فنی می‌تواند پیامدهایی فراتر از یک سازمان ایجاد کند. وابستگی شرکت‌ها و نهادها به خدمات ابری و زیرساخت‌های مشترک نیز احتمال گسترش آثار اختلال را افزایش می‌دهد. برای نمونه، گزارش مهر به تأثیر اختلال مایکروسافت بر یکی از خدمات مرتبط با کلود و سرایت مشکل تراکنش‌های بانکی به سرویس‌های وابسته اشاره کرده است. البته شواهد موجود نشان نمی‌دهد که تمامی حوادث اخیر از یک نقص مشترک سرچشمه گرفته‌اند.

فرضیه خرابکاری؛ بدون شواهد قطعی

احتمال حمله سایبری پنهان نیز در میان سناریوهای مطرح‌شده قرار دارد. از نظر فنی، مهاجمان پیشرفته ممکن است با سوءاستفاده از ابزارهای مدیریتی یا زنجیره تأمین نرم‌افزار، فعالیت خود را شبیه عملیات عادی جلوه دهند.

بااین‌حال، طرح چنین احتمالی با اثبات آن تفاوت دارد. تاکنون شواهد علنی معتبری برای نسبت دادن مجموعه اختلال‌ها به یک عامل خرابکار منتشر نشده است. بنابراین، تبدیل این فرضیه به نتیجه قطعی می‌تواند به برداشت نادرست از ماهیت حوادث منجر شود.

امنیت دیجیتال فراتر از مقابله با هکرها

اهمیت اصلی حوادث اخیر در آشکار شدن معنای گسترده‌تر امنیت سایبری است. امنیت دیجیتال تنها به جلوگیری از نفوذ مهاجمان محدود نمی‌شود؛ توانایی ادامه فعالیت خدمات حیاتی هنگام بروز خطا، بازیابی سریع سامانه‌ها و جلوگیری از گسترش اختلال نیز اهمیت دارد. اقتصادی که بانکداری، حمل‌ونقل، ارتباطات و خدمات عمومی آن به شبکه‌های دیجیتال وابسته است، در برابر نقص‌های فنی نیز آسیب‌پذیر خواهد بود. ازاین‌رو، افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های جایگزین، آزمایش دقیق به‌روزرسانی‌ها و کاهش وابستگی به نقاط شکست مشترک، ضرورتی راهبردی محسوب می‌شود. در نهایت، اختلال‌های اخیر آمریکا نشان می‌دهد که حتی پیشرفته‌ترین نظام‌های فناوری نیز از خطر فروپاشی موقت خدمات مصون نیستند. شاید مهم‌ترین هشدار این حوادث آن باشد که برای ایجاد بحرانی گسترده، همیشه به حمله یک دشمن نیاز نیست؛ گاهی ضعف‌های انباشته در زیرساخت‌های پیچیده، به‌تنهایی می‌توانند امنیت دیجیتال یک کشور را به چالش بکشند.

